

متن پرسش

سلام علیکم: در باب رزق داریم که «من حیث لا یحتسب» و می دانیم که درازق خداست. حال پس چرا اولاً علامه طباطبایی رزق بهشون نرسید و مجبور شدن به تبریز بروند و حال آنکه خدا روزی اهل علم را تضمین کرده، ثانیاً چرا علامه تبریز را خسران عمرشون می دانند شاید خداوند این گونه می خواسته پس چرا ایشان راضی نبودند. و اینکه این همه جامعه به فقر رسیده چطوری با رزاق بودن جمع می شود. دیگر اینکه اگر رزاق خداست پس چرا روایت داریم از درّی که فقر آمد ایمان می رود، جمع این روایت با رزاق بودن چیست؟ اگر خدا رزاق است چرا فقر؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! رزاق خدا است ولی مسیری که او در مقابل ما می‌گذارد را نیز ما باید مدّ نظر قرار دهیم و اگر گرفتار حرص و زیاده‌خواهی شویم، خودمان آن مسیر را خراب می‌کنیم ۲- امثال علامه با توجه به امر فوق متوجه می‌شوند باید مسیر دیگری را جهت تأمین رزق انتخاب کنند که مقدمات آن برگشت به تبریز بود، و بعد به قم می‌آیند و از این جهت همان مدت که در تبریز بودند را خسران می‌نامند که از فضای علمی دور شدند ۳- آن روایت می‌خواهد بفرماید اگر ما جهت تأمین رزق خود و جهت تأمین رزق جامعه تلاش نکنیم و گرفتار فقر شدیم، باید منتظر انواع بیماری‌ها باشیم. موفق باشید